



۲۰۱۳/۰۶/۱۱



جلیل غنی

## باز هم تسلیم طلبی در برابر همسایگان متجاوز

ملت نجیب و قهرمان افغانستان در طول تاریخ بارها ثابت ساخته که دست متجاوز را از هر قماش و تیره و قوم و مذهبی که بوده اند، از سرزمین خود کوتاه ساخته و نگذاشته است که حتی یک بلیست خاک آنرا تصرف کنند و یا دین، مذهب، عنعنات، رسوم، زبان، و در مجموع فرهنگ اصیل این خطه مرد خیز و آزادی دوست را مورد تجاوز قرار دهند. چه این متجاوزین مستقیماً درین تجاوز دخیل بوده اند و چه به وسیله ابیادی ها و دست نشان دهندگان در صدد تجاوز بر خاک، مقدسات، فرهنگ و عنعنات و زبان این ملت تجاوز نموده اند.

ملت افغانستان شاهد تجاوزات آشکار پاکستان بر خاک افغانستان در ولایت کنر بوده است. صد ها راکت از آن طرف خط نام نهاد دیورند بر ولایت کنر فیر گریبیده و حتی با تمام وقاحت قوای پاکستان تهانه های عسکری شان را در داخل خاک افغانستان آباد کرده اند. در مقابل دولت افغانستان فقط با محکوم نمودن این حملات اکتفا کرده است. ده ها طفل و زن و مرد بیگناه افغان در ولایت کنر درین راکت باران ها جام شهادت نوشیدند و صد ها خانواده مجبور به ترک خانه و آشیانه شان گردیدند. اما عکس العمل دولت فقط محکوم نمودن این حملات و عریضه نوشتن به ملل متحد بوده است.

ایران با پیش آمدن در حدود پنجاه کیلومتر بداخل خاک افغانستان و آباد نمودن علایم سرحدی و تهانه ها در ولایات نیمروز و فراه نه تنها ادعای ارضی دارد بلکه مانع اعمار بند های آب گردان در ولایات هرات، فراه و نیمروز می گردد و می خواهد مثل آب دریای هیرمند آب بدون حساب را بگیرد. از این ها گذشته نفوذ فرهنگی و سیاسی این دو کشور در امور افغانستان به اصطلاح اظهر من الشمس است که ضرورتی به آوردن مثال ها و نمونه های از آن دیده نمی شود.

اگر ملت افغانستان با مشاهده ضعف حکومت و سیاست تسلیم طلبانه ای که در برابر همسایگان گرفته صدایش را می کشد آیا کار نادرستی کرده است؟ ببینیم که برداشت آقای کرزی از این ابراز خشم ملت در برابر تجاوزات آشکار و پنهان این دو همسایه حریص و متجاوز چیست؟ :

■ **"نباید مطبوعات چین قضایا را بارها نشان بدهند. کاری نکنید که در آن خیر افغانستان نیست، نه خیر امروز افغانستان است و نه خیر فردای ملت افغانستان."**

یعنی که بگذارید این دو همسایه نازدانه آقای کرزی هر چه می خواهند بکنند و کاری نکنید که باعث آزردهی خاطر آنها گردد.

نمونه تجاوزات نا مرئی ولی زهر آگین این دو همسایه را قلم بدستان فرهیخته و وطن دوست افغانستان بارها در همین پورتال وزین افغان جرمن آنلین نگاشته اند. نشانه واضح آنرا در نشرات برخی از رسانه های افغانستان همه روزه می بینیم، می خوانیم و می شنویم و سعی دارند با افزودن کلمات من درآوردی که دستگاه های تبلیغاتی و نشراتی این دو کشور برای تسلط بر فرهنگ و زبان های افغانستان وضع و تبلیغ می کنند، قایم سازند.

آقای کرزی در سخنان خود در روز بین المللی محیط زیست به جای اینکه از این دو کشور نازدانه اش بخواهد که ملت صدایش را کشیده است و دست از تجاوزات گوناگون مرئی و نا مرئی بردارید، به محکومیت صدای ملت تأکید دارد و جالب اینکه از مطبوعات افغانستان، یگانه وسیله ای که ملت صدایش را از همین کانال ها کشیده می تواند، هم می خواهد که از نشر چنین مطالبی خود داری کند.

آقای کرزی اعتراض ملت افغانستان به تجاوزات همسایگان را تهدیدی به وحدت ملی افغانستان می داند. شاید منظور آقای کرزی از این اظهارات:

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې دلیکنېزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

■ "آرزوی من از مطبوعات خود ما، تلویزیون‌ها، رادیوها، رسانه‌ها، احزاب سیاسی و رهبران سیاسی این است که وحدت مردم افغانستان را حفظ کنند. همان طوری که مردم افغانستان این سرزمین و وحدت مردم را نگه داشتند، وظیفه مطبوعات هم همین است."

این بوده باشد که مبدا حامیان این دو کشور در افغانستان به جان هم بیفتند و تناقضات قومی و نژادی دامن زده شود. تاریخ هزاران ساله افغانستان شاهد است که این ملت در مقابل هر تجاوزی به حیث یک کتله واحد ایستادگی کرده و هر گاهی که تجاوزاتی از هر قبیل متوجه افغانستان بوده همه اقوام افغانستان بدون در نظر داشت قوم، نژاد، مذهب، سمت، منطقه و عشیره و قبیله متفقاً و در پهلوی هم در یک سنگر واحد مقاومت کرده اند و جنگ های تاریخی افغانستان و در همین سی و چند سالی که گذشت همه ما شاهد آن بوده ایم که هم این ملت در برابر حکومت دست نشانده اتحاد شوروی سابق، هم در برابر تجاوز ابر قدرت سرخ و هم در برابر تجاوز و حاکمیت القاعده و طالب، به حیث حامی این گروه، ایستادگی نمود.

شاید سخن آقای کرزی متوجه رسانه ها و رهبران سیاسی باشد که آگاهانه و یا نا آگاهانه به حیث ابزاری در دست کشورهای بیگانه، مخصوصاً همسایگان، قرار گرفته اند و زمینه این گونه برخورد ها را بین ملت افغانستان فراهم می سازند تا آب بیشتری به آسیاب آنانی بریزند که آرزوی جز از هم پاشیدگی و بی ثباتی افغانستان و تسلط بر این سرزمین چه اقتصادی و چه فرهنگی، ندارند.

اما بهتر نخواهد بود که دولت آقای کرزی به معرفی این گونه "تلویزیونها، رادیوها، رسانه ها، و رهبران سیاسی" و عناصر دیگر و افشای آنها، به استناد و مدارکی که کم هم نیست، پردازد تا ملت هم در تاریکی قرار نگرفته و چهره ها و عناصر نا مطلوب را، مخصوصاً اینکه انتخابات ریاست جمهوری هم پیش روست، بهتر بشناسد؟

با وصف آنکه این جمله آقای کرزی مترادف با سایر اظهارات او در مورد "نادرست" بودن نشرات و نشان دادن سوختاندن بیرق و عکس های رهبران کشورهای همسایه، صورت گرفته اما نکته مهمی در آن نهفته، گرچه بسیار محافظه کارانه است، ولی به ملت گوشزد می کند که دست این گونه اشخاص و وسایط در آن دخیل است که سعی دارند "وحدت ملی" را صدمه بزنند، وحدتی که در حال تشکل است و همان دسایس و حيله گری های که در سال های مقاومت از طرف دو همسایه برای چنین روزهای با دور اندیشی طرح گردیده بود، هنوز هم کار می دهد و از چنین عناصری هنوز هم استفاده می شود.

اما مطبوعات که نمونه بارزی از انکشاف دیموکراتیک در ده سال گذشته است و می توان بر آن به حیث یک مثال پیشرفت تأکید نمود وظیفه دارد تا نا رسائی ها و واقعیت ها را بگوش و چشم شنونده و بیننده خود برساند و اگر این خشم ملت توسط همین رسانه ها به جهانیان رسانیده نشود صدای ملت در گلو خفه خواهد شد و به گنگ خواب دیده ای خواهد ماند که از گفتن حقایق و واقعیت ها عاجز بماند و جهانی با گوش کر که توانائی شنیدن آنرا نداشته باد.

ولی سوال اساسی اینست که تا چه حد باید خاطر همسایگان را رعایت نمود؟:

- آیا با سیاست موجوده که از ده سال به اینطرف ادامه داشته است می توان نتیجه مطلوب گرفت؟
- آیا می توان این دو همسایه را با چنین روشی وادار ساخت که بر سیاست های خود در قبال افغانستان تجدید نظر کنند و دست از مداخلات در افغانستان بکشند؟
- آیا امیدی به تغییر پالیسی این دو کشور با انتخاب نواز شریف به حیث صدراعظم پاکستان، که فرو پاشاندن اردوی عظیم افغانستان را از افتخاراتش می داند، و انتخابات قریب الوقوع ریاست جمهوری ایران که باز هم ملای دیگری فرمانبردار ولایت فقیه و "بلی گوی دیگر خامنه ئی" به قدرت خواهد رسید، وجود دارد؟ یقین کامل است که چنین انتظاری برده نمی شود. از مشاجره و استدلال داکتر امرالله صالح امر سابقه امنیت ملی افغانستان و حسین حقانی سفیر سابق پاکستان در واشنگتن در دهمین مجمع جهانی امریکا و اسلام "یک دهه گفت و شنود" که جلسه عمومی آن به تغییرات در افغانستان و پاکستان اختصاص داشت کاملاً مشهود است که پاکستان هنوز هم بر همان پالیسی که ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان بیش از سی سال قبل وضع کرده بود و نام آنرا گذاشته بود "عمق ستراتیژیک" تکیه می کند و به آن دو دسته چسبیده و نفعش را در یک افغانستان

بی ثبات و تحت نظر پاکستان و حکومت فرمانبردار می خواهد و تا زمانیکه پاکستان راضی نباشد ثباتی در افغانستان نخواهد آمد.

حالا که افغانستان شرکای عمده در غرب بشمول ایالات متحده دارد و معاهدات ستراتیژیک با کشورهای مختلف جهان از جمله ایالات متحده و هند امضاء نموده و معاهده امنیتی هم بین افغانستان و ایالات متحده در شرف امضاء شدن است، لازم است که بر سیاست خود در برابر همسایگان نیز تجدید نظر نماید و از سیاست های تسلیم طلبانه و خضوع و خشوع، که در ده سال گذشته نتیجه ای جز جسارت بیشتر همسایگان نداشته، منصرف شود و راهی را در پیش گیرد که ملت افغانستان خواهان آنست و آن پیروی از استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و مبارزه با هرگونه مداخلات پنهان و آشکار همسایگان است. مظاهرات مردم افغانستان در کابل، کنر، جلال آباد و سایر ولایات افغانستان بیانگر این خواست مردم است که یقین است دولت افغانستان چه دولت فعلی و چه دولتی که بعد از انتخابات آینده ریاست جمهوری تشکیل گردد از حمایت کامل مردم افغانستان درین خصوص بر خوردار خواهد بود.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ